

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ



در مطبع نظامی کاپی و مطبوعه





شاه عبدالعزیز و ملوک و ثانی از قاضی سنار الله نقشبندی  
 مجید و می یانی پچی که در اعمال حزب البحر عامل کامل بود و نزد  
 حرمه بنی اسال و وظیفه خویش می داشت و او شان میسنی  
 قاضی حماد بن مویون افتد کرد و نداز مشرفین المی و مطرح  
 و نواز قاضی سندیان شمس الدین حبیب الله حشر تلمیذ مرزا حاجان  
 رات فلکال رشاده علی رؤس المطالبین و ادام برکاته الی  
 یوم الدین پس بدانکه این حزب در اصل منسوب است  
 بشیخ عظیم القدر ابو الحسن شاذلی و باید دانست که این  
 کنیت شایسته و نام شان علی بن عبد الله است و وقت  
 شان در سال ششم و پنجاه و شش است قبر شان در  
 ملک عرب و رحمه بدانکه نقات قتل کرده اند که شیخ ابو الحسن  
 شاذلی در جبال قاهره بود و ایام حج نزدیک سریده بود و آنجا  
 یاران خود را فرمود که از جانب غیب اشاره فرستد بدانکه

اسال حج گزاری عزم مرکبی طلب کنید این هر چند طلب کرده  
 یافتند الا مرکب پیر نصرانی بر همان مرکب سوار شدند  
 چون با دوابان برداشتند و از محاربات قاهره گذشتند  
 باو مخالف و ندین گرفت و یک جمعه نزد یک قاهره چوپان  
 جبال قاهره بنشر می آمد توقف افتاد مگر آن زبان طعن کشاوند  
 که شیخ میگوید مرا اشاره حج شده است و وقت نزد یک سید  
 و ما انجاد باو مخالف افتاده ایم شیخ بشنیدن این کلام و قلین  
 اتفاقاً و قیلوله بود که باین عالم گشت چون بیدار شد  
 این دعا خواندن گرفت و رئیس مرکب فرمود علی برکت افتد  
 تعالی با دوابان بردار گفت اگر بردارم همین ساعت با دوابان  
 مرکب ابقا هر و باز رساند شیخ فرمود بردار و عجیب شیخ  
 الهی را تماشا کن آخر کار با دوابان برداشت پس باو موافق  
 بقوتی شروع شد که رسالتی می بینم توانستند کشاد

نیکو کار پیر و بیست تمام بهائیت و سیر و مقصد مبارک  
 رسیدند پیشتر پیر نصرانی مسلمان شدند و آن پیر نصرانی شبانه  
 بخواب و بیکه شیخ با جماعت عظیمه به پشت سیر و مسجد  
 همراهِ سیر و مدخواست که در پی آنها و و ملا که زجر کردند که تو  
 اهل این نیستی صبح آن نصرانی هم مسلمان شد و رفته رفته حساب  
 مقامات عالی گشت و اهل آن ناحیه با وفورت میبستند انتمی  
 در شهر و دهانه اکبر و دهستان و دهستان هجری فقیر را بواسطه  
 از مصنفات حضرت شیخ ولی الله قدس الله سره  
 که شرح حرب البحر را تصنیف فرموده اند بطور در آمد شیخ  
 اسناد اجازت خود بس عالی و صمیم نوشته است -  
 حَيْثُ قَالَ شَافِعِي رِبَاجَ زَوْجِ حَزْبِ الْبَحْرِ شَيْخُنَا  
 أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْدِيُّ الْبَدَائِي  
 قَالَ قَدِمْتُ حَزْبَ الْبَحْرِ عَلَى الشَّيْخِ أَمِّدَا الْخَلِيِّ

وَأَجَازَنِي بِهِ رِثْقِي سِرًّا أَيْتَهُ وَاجَازَتْهُ عَلَى شَيْخِهِ  
الشَّيْخِ عَيْسَى الْمَغْرِبِيِّ وَهُوَ أَخَذَ عَنْ أَبِي الصَّاحِ  
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي أَلْبَارِ  
أَحْمَدَ الْمَقْرِي عَنْ عَمِّهِ سَعِيدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَقْرِي  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ النَّبِيِّ  
عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
مَرْوُوقٍ الْخَفِيزِيِّ عَنْ أَبِي الطَّيِّبِ بْنِ عَلَوَانَ  
الْمُتَوَسِّلِيِّ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَطْنِيِّ عَنْ أَبِيهِ  
أَبِي الْعَرَاءِ عُمَرَ مَافِي بْنِ سُلْطَانَ خَادِمِ الشَّيْخِ  
أَبِي الْحَسَنِ الشَّاذَلِيِّ عَنْ الشَّيْخِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ  
ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّاذَلِيِّ وَالْأَيْضًا  
أَخَذَ الشَّيْخُ أَحْمَدَ التَّنَاجِيَّ عَنْ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي هَالٍ  
عَنِ الشَّيْخِ سَالِحِ السَّنْهَرِيِّ عَنْ أَبِي عَنِ النُّجْمِ الْغُبَرِيِّ

عَنْ شَيْخِ الْإِسْلَامِ زَكَرِيَّا بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ حَبِيبِ الْعِلْمِ  
 ابْنِ الْقُرَاتِ عَزَّ الْقَاجُ حَبِيبِ الْوَعَايِ بِرِجَالِ الشُّبُكِيِّ  
 عَنْ أَبِي الدُّيُومِ النَّعْمِيِّ عَنِ ابْنِ عَجَلَانَ الشُّبُكِيِّ عَنِ الشُّبُكِيِّ بْنِ  
 عَطَاءٍ اللَّهِ عَزَّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ الشُّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَرْسِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ  
 الشُّيْخِ عَلِيِّ بْنِ الشَّاذَلِيِّ وَنَازِلِ حَضْرَتِ شَاهِ وَلِي أَمَدِ قَدَسُ  
 نُوْشْتَه است که فقیر او و حزب البحر اسنادی دیگر است  
 سواي این اسناد که قائم گردانید این فقیر او در شام شیخ ابو الحسن  
 شاذلی و جمعی که قبله همت شیخ بود متوجه ساختند و به نسبت  
 شیخ متلبس کرده بجزاج او بر آوردند و حزب البحر را بنزد  
 کتو ساختند برای مشاهد و صنع اعلیٰ شعب تعلیقته منی  
 و منی اخذت و نفسی کانت فی عطاء حمدی  
 پس یک دفعه علوم بسیاری از کتو به شهو و گشته و رقت  
 تحریر هر چه محفوظ ماند نوشت غرض که شیخ قدس سره

در جمیع علوم بسیار که بر وی نازل شده بود در فواید بسیار  
 بتفصیل نگاشته بود لیکن چون تمام آن علوم در خور فهم و استماع عامه  
 مومنان نبود و اکثری در خور فهم بود و غرضی مقتصد به هر یک  
 بدان تعلق نداشته اند این فقیه از آن کتاب فوایدی  
 که بهر خاص و عام نفع رساند القاط نموده و درین اوراق نوشته  
 و هر که خواهد که بر تمامه آن علوم و معارف الطالع حاصل کند  
 به جمیع حضرت شیخ و بس سر و رجوع نماید و المسؤول  
 من الله التوفیق فائده شیخ در جمیع عاشره از مقدمه نوشته  
 که معنی دعوت ملکیه آنست که داعی متشبه شود بملک که سفلی که  
 در میان آسمان و زمین تصرف میکند و داعیه را او بنماط گیرد  
 بوجهیکه مناسب است بد داعی ملکیه بوجهیکه مناسب است  
 بد داعی بهائم و داعیه ملکیه را تقویت کند بتلاوت اسماء و آیات  
 که بطریق تفویض دلالت کند بر نفوذ آن داعیه بالجماله آنچه



در شریعت اگر کرده اند روز و جمعه از غسل نهی است  
 و استعمال ثیاب و بنگیر سبک که تشبه ایست از اعتکاف و استغفار  
 و در روز مشغول بودن و نماز نفل گذاردن و در روز جمعه باجماعت  
 عظیمه گذاردن از قبیل تشبه بلامکه است و نیز نوشته  
 که این فقیر اسعالم شده که در وقت اول طلوع صبح نماز  
 تا اشاره مقابل صبح شستن و چشم را با آن نورد و ختن  
 و یا کف و زانها را با گرفتن کیفیت یکبار اوقات سید و احوال  
 نفس امی نشانده و تیرمی از فضول نداشتن و اختیار اخذ و تطهیر  
 سبک بر سر نهاده و از اجابت نفس دور بودن و خیره جماعت  
 در غایت گذراندن تشبه بلامکه را پرورش میدهند و از اوقات  
 اجابت نفس لیل و وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب  
 و وقت زوال شمس و وقت غروب و اوقات عشره اخیره  
 و ساعت مرجو و جمعه و لیلة البرة و عشیه عزه اقتدار کردن

و بعضی اهل دعوت اوقات نجومیه را اعتبار کرده اند و مختار  
همان است که اول گفتیم و از هیئات شمار خوش منزه و درختان  
شمر و ماضی کردن بعبادت مشتری مناسب است و طیب  
بنانی بعبادت زینب و قریب است و خاک مقبره ای قدیم  
و پر طیور و موشی مثل گرگین زبل نزد یک خون غروس جلود  
سبحان و لحیم فحول بهایم هر پنج متواخی فائده شیخ فرمای  
ماوی عشر از مقدمه نوشته که بعضی خواص حزب البحرین فقر  
بنور توفیق در یافته و بیان طریق استعمال آن بر وجه کلی  
مکرم حزب البحرین اکثر اعمال تفریقیه جاریست اما طریقه اتم است  
که پیش از فقر که مناسب حاجت اوست بعد از آن تقوی  
کن چنانچه آن فقر را بموثر او خود ضمیرین تلاشت آن فقر و هر بار که این فقر  
بخواند همان صورت در خاطر گذراند و بکار آن فقر که آن گفته  
کند نشاند و بار یا بیفت بار یا نرسد بار هر قدر که نفس آلود شود

و آنچه را یا اسمیکه مناسب اوست همراه او تلاوت کند و در رکعت  
 تلاوت آن آیت یا اسم را بعد از آن حزب را بخواند رساند  
 و پاک نیست اگر بعضی مواضع تجزیه کنند پس این تا رسیدن  
 معین است بر حفظ و فهم و عدم تأثر از وسوس و وسوس  
 و همچنین سَأَلْتُ الْعَصْمَةَ بِهِنَّ فَوَاضِلُهَا وَ لَقَدْ كُنَّ  
 الْقَوْلُ إِلَى ظِلِّ كُجَابِ اسْتِازِمْوْنَ فَلَمْ يَهْمِنْ  
 بِسَمِ اللَّهِ بَابُنَا كَحَقِّ ظَوَائِفُ لَقَدْ كُنَّ الْقَوْلُ  
 اسكات اعدا و اضرار ایشان مفید است و همچنین و اطمینان  
 الی یحیی و یحیی و تسخیر ملوک و اعدا و غلبه و در حرب و کشاد  
 بسته که نه بر آن بنظر نمی آید و مخرج صعب که علاج آن میسر  
 نشود و فتنه فتنه الی ملکوت و کشیدگی و طلب  
 نفقه النیب و طلب کشف اوراق و طلب انواع کرامت  
 مثل شرف بر خواطر و مشی علی المار و غیر آن در صحت لکن

الی قید بر آیتی که مناسب نفقته الغیب است. **اللَّهُمَّ**  
**رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ** الیه برای باران  
 حاجات و کمالات مهوت در **اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ**  
 و تالیف زوجین متناظرین و متناهیین در **مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ**  
**يَتَّبِعُونَ** و اگر کسی منسوب عالی باشد که حفظ آداب شریع  
 بانوار متغیر شود چنانکه آیت را اکتفا کند و برای گریز از حق جعلنا  
**مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ سُدًّا** الی **يُخْرِسُونَ** و اسکات اهل حق  
 در لفظ **لَهُمْ جَعَلْنَا** لایقته همان و مرز از آفات و زوان و  
 ظالمان و **يَسْخَرُونَ** باینکه و برای دفع چشم زخم و سحر  
 و مهت اهل تمرد در **سِتْرُ الْعَرْشِ** و طلب علم لدنیه در  
**حَوَائِجِ الْمَلِكِ** و دفع سموم و اوجاع و **يُسْمِعُ اللَّهُ**  
**الَّذِي لَا يَصِفُ** و آیت دفع روت و رجعت وین جوید و قوم مقرر  
 و انذار و **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ** و برای سموری باغ و خانه

و بهر چه این قبیل باشد در انفس تا لیکن در شمن باید  
 و برای حفظ است و اقمشه قاله عن غیر ما و شاک است  
 کند و تفتت الغیب این در آن و لی الله جود و دروغ  
 سمن و نحو آن حکیمی الله حکامی است برای شمن و یارانی و بنی  
 قدیمه خاک گیر و شش بیازد و بر یک جانب بنویسد  
 شَامَتِ الْوُجُوهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْغَيْبِ وَفِي  
 خَابٍ مَن يَمْلِكُ ظُلُّكَ وَبِجَانِبٍ دِیْگَرِ نَوْبٍ وَلَوْ تَنَاسَلُوا  
 لَطَمْنَا إِلَى يَرْجِعُونَ و در آن خانه اندازد و برای  
 شریعت اعد این آیت را بر دو جانب عکس بنویسد و محفوظ  
 ایستاد باشد و همچنین شمن انصراف برای سبب در قلوب است  
 لَحْوَ لَحْوَ لَحْوَ لَا يَنْصَرُونَ و در بهترین ساعت نوشته  
 بر عهد خود بند و برای در روز هفت بار و هفت آنرا کر  
 کت بعد از آن اِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَاذِنْتَ لِرَبِّهَا

وَحَقَّتْ وَادَّ الْأَرْضُ مَدَاتٍ وَالْقَتَّ مَا فِيهَا  
وَحَلَّتْ سَهَابًا رَوَاهُ مَرَانِ زَن وَم كَن وَ بَرَامِي عَيْنِ مَنَافِ  
وَسَب لَنَا وَتَدَارِ بِرَا قَوِي الْغَرَضُ اِنْ مَنَافِ طَوِيلُ الْبَطْلِ  
اَسْتَكْلَامُ جَزِي وَ اِنْ مَوْقُوفُ بَرْزَخِ سَامِعِ مِغْدَا رِيمِ  
وَتِيْزِ شَيْخِ قَدَسِ سِرِّ نَوَاشَةِ كَمَنْ تَعْبِطِ سَكَنُ مَزْكِيْكَ وَ اَوَّلِ  
وَ اَخِرِ حَرْبِ الْبَحْرِ اَعْتَصَامِ وَ اَقْتِنَامِ مَيَّخَوَانِ وَ اِيْجَتِ كَسْرِ قُوْتِ  
بَعْضِ رَوْنِ بِلَالِيهِ اَوْ عِيْهِ جَمَالِيهِ سَيَّوَانِ نَسِيْدَانِ كَمَنْ شَيْخِ اَخْبِتِ  
اَسَاعِ حَلْمِ خُوْدِ مِمْلِيْنِ وَ اَسْبَ رَاخُوْرِ عَمَايِتِ كَرُوْدِ اَسْتِ  
اَبْدَا مِيْكَدَا زِيَا عَالِيْ يَا عَظِيْمُوْ وَ اَقْتِنَامِ مِيْ نَسَايِدِ بَرِ  
حَسْبِيْ اللّٰهُ وَ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ  
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مَوْجِبِ هَرِكَلِ عِلَالِيْ وَ وَجِدَا اَنْ كَلَمَ  
جَمَالِيْ مِيْ اَزْدِ اَقْوَلِ لِيْكَ اِنْ فَقِيْرًا اَزْ طَرِيْقَةِ حَقِيْرَتِ  
قَاغِيْ مَنَارِ اَمْدَانِ لَكُمُ اَعْتَصَامِ وَ اَقْتِنَامِ مِيْ رَسِيْدِ سَبْتِ



عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ كِنَانِي تَرْجُمَهُ اِي بلند مرتبه اِي بزرگوار  
 اِي برود بار اِي دانائي سرار تو پروردگار سني و علم تو  
 باحوال من گفتني كنده است پس نيك پروردگار است  
 پروردگار من و نيك گفتني كنده است گفتني كنده پس  
 نصرت ميدهي هرگز امي نخواهي و تو غالب هر بابي فائده اگر آيد  
 يار نيسي خواه كه عيت با او موافقت كند و مخالفت نشوند  
 و با او محبت كند و بر وفق شرع و عقل كار با بطلوا آيد چنين  
 كارهاي او را از غيب باز و بايد كه برين فقره مواظبت كند  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعِصْمَةُ فِي الْحَرَكَاتِ وَالسَّكَنَاتِ وَالْكَلِمَاتِ  
 وَالْأَعْيَادَاتِ وَالْمَقْصَرَاتِ مِنَ الظُّنُونِ وَالشُّكُوكِ  
 وَالْأَهْوَاءِ السَّائِرَةِ لِلْقُلُوبِ عَنِ مُطَالَعَةِ الْغَيْبِ  
 ترجمه ميشلم از تو نگاه داشتن نفوس خود و جميع حرركات  
 و سكنات كه از جوارح ما پيدا شود و از جميع



سخنها که از زبان ابرآید و در جمیع داعیه باو خطره پاک و تخمیر  
 عادت کرد و از فراغت اعتقادات فاسده و از فراغت  
 ترددات و او با هم که می پوشند و اما باز داشته اند از نظر  
 علوم غفیه و تدبیر با حکمت که در شیب فقر است و عوام از  
 نمی بینند و نمی دانند فاسده شخصی که از حال نیک بحال بد  
 افتاده باشد مثل بتذیر و فسق و لهو یا زنی و غمی دارد و یا بدست  
 نفس او را پر کرده دل کرده باشد این فقر و بغایت مناسب است  
 اکثر تکالوت این فقر و او را ازین بلا با خلاص کند فقید  
 اَبِیْكَ الْمُؤْمِنُونَ وَرَأَوْهُ زُلْزِلَ اَوَّلُ شِدَائِهِ اللَّهُ  
 اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ  
 مَرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ اِلَّا غُرُورًا  
 ترجمه باین سبب سوال عصمت میکنیم که هر آینه اشخان  
 عظیم پیش آمده است سلیمان را و جنبانیده شده اند

علامه از سنن کبیر

بنیادین سخت و سوال عصمت میکنند در آنوقت که میگویند  
 منافقان و آنانکه در ولما می ایستادند و عهد نهاده بودند  
 ما خدا و رسول او را گریب و او را فائده نداد و فتنه برآ  
 سببیه است وقوع مردم در بلا و شمع آن بلا سبب  
 سوال عصمت میتواند شد لهذا شیخ بجای اینانکه ذکر آن  
 بود که فتنه آورده و عطف و او بر معنی کلام مقدم است  
 چرا که وقت ابتدای مومنان و انکار کافران وقت است  
 در سوال عصمت را و از آنکه موضوع است برای وقت  
 بجای سبب ذکر کرده میشود فائده نزول این آیه  
 در قعه اخراب بود که کفار محاصره کردند پیغمبر علیه السلام  
 بمخندق متحصن گشت و پس منقطع شد و منافقان  
 زبان طعن کشا و در نشرت الهی و رسیدن سخی که موجب  
 تشویش حال کافران و تقویت مومنان بود و زیدن گرفت

و آن مصیبت دفع شد شیخ بترک بایه کرد و حسن الفطن  
 بایشه تنویر مال خود و مثل حال آتش در امید و اگر گشت  
 قایم و شخصی را که حزن دل و پرانگی فاطر با ویت نفس  
 و هجوم خطرات باشد این فقره را با فقره شکاکت بخواند  
 و اگر کند دفع شود و اگر شخصی یارسی را که دوستان او را  
 یا دشمنان او را در شان او گفتگو شود برای دفع این غل  
 این فقره را با فقره قنیت نادان و سخرانها و البیخراوند  
 بمالعه کند و در خواندن و وقت تلفظ تا شدیداً صورت  
 دوستان و مخالفات ایشان یاد کند و اشاره رز و ابطال  
 بدست نماید و وقت تلفظ و اذیقول المنافقون تا آخر  
 صورت دشمنان و مجادلات آنها مستحضر سازد و اشاره رز و  
 ابطال کند قنیتنا و انهم ناکوین فلنا هذا البیخرا  
 سخن است البیخرا موسی علیه السلام و بیست

دفع خطرات

التَّائِبِينَ اهْتَمِرْ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَضَرَّعَ الْجِبَالُ  
 وَالْأَخْيَارُ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَضَرَّعَتِ النَّجْمُ  
 وَالشَّيَاطِينُ وَالْجِنُّ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 وَتَضَرَّعَتِ الْبُزْجُ وَالْقُلُوبُ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 وَالسَّلَامُ وَتَضَرَّعَتِ الْأَرْضُ فِي الْأَرْضِ  
 وَالسَّمَاءُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْمَلَكُوتُ وَتَضَرَّعَتِ الدُّنْيَا  
 وَتَضَرَّعَتِ الْآخِرَةُ وَتَضَرَّعَتِ لَنَا كُلُّ شَيْءٍ يَا صَبَّاحُ يَدِ  
 الْمَلَكُوتِ كُلُّ شَيْءٍ حَسْبُكَ يَا كَبِيرُ جَاوِدِ رَاوِدِ خُزْدَانِ بَرَكَاةِ  
 چنانچه من ساخته دریا را برای موسی و من ساخته آتش را برای ابراهیم  
 و من ساخته کوهها را و آهن را برای داود و من ساخته باد و دیوان و  
 پلان را برای سلیمان علیه السلام و من ساخته برق چون و انس را  
 سرور را محمد صلی الله علیه و آله و سلم و من ساخته دانه را برای  
 هر دریا که یک است و در تصرف هست و زمین

و آسمان و در عالم ملک و عتالم ملکوت و در یاسی و یار  
 و در یاسی آفریت و با و مستخر گردان بر آب هر چیز را می آید  
 بدست قدرت اوست فرمان روای همه چیز قائده  
 بر چندین بیت و ما لهما مقصده دریا بود اما جایز است که مراد  
 از بحر نشاء کلیه که مشتمل بر افراد مختلف الاثار باشد یا کار  
 که موقوف بر افعال بسیار باشد از او گفته اند در آخر  
 لفظ کل بحر و بحر الدنیا و بحر الآخرة آورده قائده داعی را  
 باید که وقت تلفظ سخن اینها البحر همان مراد را بجا طرک نماید  
 مرض باشد یا کار بسته یا حرب بین القومین و بین حرب  
 و وقتیکه اطباء از معالجه مرض درمانند و وقتیکه چنان کار  
 بسته شود که تدبیر آن نیابد از کثرت تملکات این فقره  
 لطیفه غیبی پیش آید که فتح بر اعدا و کشادگی کار میسر شود  
 قائده تسخیر بحر الدنیا عبارت از آنست که نشاء دنیا از اهم

و فتح با دعا و دعا  
 یعنی کار و کار

ملا را علی اثر پذیرد تا سعادت و نیویزه مثل کثرت اموال  
 و اولاد و اتباع و محاسب و طول عمر و انس خاطر و الطمینان نفس  
 و قیصر امور و سعادتی بوجو و آید و تسخیر بحر الاخره عبارت  
 از آن است که عبادات این شخص علی وجه التمام و صفا  
 اعمال او ثبت شود و معطلی آنرا ناقص نماند و در حیم طیب  
 از علیین و صورت این عمل در آید و آنرا نموی و بدین ترتیب  
 یزیدها گامی از آن که فلو که کتب بعضی از آن نص نافذ است  
 خیر الناصین هو اقم لنا فانک خیر الفاضلین  
 و اعف لنا فانک خیر الغافین و استغننا فانک  
 خیر الرحیمین و ارضنا فانک خیر الدائیین  
 و احفظنا فانک خیر الحافظین و اهدنا  
 و یغنینا من القوم الظالمین و ترجمه یاری و ده باز که  
 تو بهترین یاری و دهنده گانی و بکشای کارهای بسته ما زیرا که

بهترین گشت‌نندگان و پیادگان را ازیرا که تو بهترین آفریننده  
 و بهترین کن برمانیرا که تو بهترین هدایتی و روزی و بار  
 زیرا که تو بهترین روزی و بندگانی و نگاهدار مارا زیرا که  
 تو بهترین نگاهبانانی و راه‌نما مارا و خلاص کن مارا از دست  
 ستمکاران قائده و در باب حسن نبات اشجار و ذروع  
 و شجران کسیر باید کرد و بر لوح خشب بخط جلی باید نوشت  
 و در اعلی مواضع از باغ و گشت می باید گذاشت و بر  
 ثمر و خست معین بر برگ آن بصره و ثمر آن باید نوشت  
 و برای جمال و قبول و فرج شخص بشک و گلاب بر کاشته  
 نوشته بر سر او باید بست و اگر زن باشد و صفت محسن  
 باید نوشت از انصاف و امانت و تقا و هب لينا من لدنك  
 رَحْمَةً طَيِّبَةً كَمَا هِيَ فِي عِلْمِكَ وَ انْشُرْهَا عَلَيْنَا مِنْ  
 خَيْرِ اَنْ رَحْمَتِكَ وَ اَحْمِلْنَا بِهَا حُلَّ الْكَرَامَةِ مَعَ

در این کتاب  
 در باب اشجار و  
 در باب ذروع

[illegible]



از همه بر مغرور و بلیش حقیر معهود و بوجود آید استخوان رسیده و پخته  
 و قریب است بدانچه قرآن عظیم آید و است و نینباید که  
 ای فکر که در معرفت هر چه سبب اوئی سبز باشد و قنای  
 می آید نمی رود و هیچ تعبیر میکند و چون این هیچ از یک  
 خزانه نیست گاهی از خزانه علم باشد مثل شرافت و کشف  
 و گاهی از خزانه قدرت چون فتح خیر مملکت باب او و گاهی از  
 خزانه رحمت چون نفقه الغیب و گاهی از خزانه سعادت  
 لوکب باشد و ران ساعت و گاهی از خزانه اندراج قوت  
 مثال و ز شهادت مثل شی علی المار و گاهی از خزانه سحر و ارجح  
 مثل نسبتها شگرت و تجلیات معنوی که اگر از اولیا رسیدند  
 از انبیا جمع آورده که خزائن حقیقت قائمه این فقره  
 قد الح انت که نسبت اکثر این لطیفه و عظیمی است که سبب  
 نمیشود بعد از اولیا که آنها و صفتها را و در پیکر نفقه آید

از اولیا و انبیا  
 بر سر این نفقه می آید

مطلوب باشد چهار کوزه باریا و تاج باشد بخواند و سه بار دعا  
 حضرت عیسی علیه السلام اللَّهُمَّ رَبَّنَا انْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً  
 مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً  
 مِنْكَ وَارْتُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ بخواند  
 و اگر فرست و اشراف مطلوب است چهار کوزه بار  
 يَا عَلِيمُ يَا مَبِينُ يَا خَبِيرُ و سه بار و نازل  
 مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ فِي رَحْمَةِ الرَّحْمَنِ بخواند  
 و اگر ظهور آثار دعا و مرقی منظور باشد چهار بار یا عجیب  
 خواند بعد از آن سه بار یا عجیب الذین آمنوا  
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَبِزَيْدٍ مَوْفُورٍ فَضْلُهُ عَلَى الْكَافِرِينَ  
 لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ الْآيَةُ اللَّهُمَّ سَلِّ لَنَا أَمْرًا  
 مَعَ الرَّاحَةِ لِقُلُوبِنَا وَ أَبْدَانِنَا وَ السَّلَامَةَ  
 وَ الْعَافِيَةَ فِي دِينِنَا وَ دُنْيَانَا وَ كُنْ لَنَا مَبَاحِبًا

فِي سَفَرِنَا وَخَلِيفَتِنَا فِي أَهْلِنَا وَطَمَسَ عَلَى وَجْهِهِ  
 أَحْمَدَ آيِنَا وَاسْتَمَرَّ عَلَى مَكَانِهِ حَتَّى كَانَتْ صَبَاحُ  
 الْمُنِيَّةِ وَكَانَ الْجَمْعُ إِلَيْنَا وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا  
 عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصَّبْرَ أَمَا قَاتِي يَغِيثُ مَنْ  
 وَلَوْ نَشَاءُ لَمَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ فَاسْتَبَقُوا  
 مُضِيَّاتَهُمْ جَعَلْنَا حَرْبَهُ بَارِضًا يَاسِرًا  
 گردان برای ما کارهای ما را با راحت و در لهامی ما  
 و ابدان ما و باسلامت و عافیت دروین ما و نیامی ما  
 و باشی برای ما همیشه و در سفر ما و با نشین و راه خانه ما  
 و محو صورت فرو و آبر روی و شمنان ما و بگردان  
 صورت ایشان را یعنی متغیر الاحوال گردان برجا  
 ایشان تا نتوانند گذشتن از مقام خود بجانب دیگر و  
 نه آمدن بجانب ما بعد از آن شیخ تلاوت کرد و آیت را



لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ وَأَنَّهُمْ كَانُوا مُعْتَدِلِينَ  
 أَعْمَاءُ قَوْمٍ أَعْلَمَ قَوْمِي بِالْأَعْيَانِ وَأَكْبَرُ شَيْئًا وَجَعَلْنَا أُمَمًا مِّنْ  
 أُمَّةٍ يُعْرِضُ عَنْ آيَاتِنَا فَاعْتَدُوا نَارًا كَثِيرَةً مِّنَ النَّارِ لِيُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَالْوَعْدَ الَّذِي لَكَمُ بِهِ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاتَّقُوا يَوْمَ تُرْجَعُونَ إِلَى اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ  
 ترجمه قسم بقرآن متضمن حکمت که هرگز نمیتوانستید این را برای خود استی  
 قرآن فرد و آورده شد از جانب خدای غالب هر یک از  
 تا بترسانی جماعتی را که ترسانید بشند پیران ایشان پس  
 ایشان غافلانه یعنی قریش را بترسانی که در میان ایشان  
 رسول مبعوث نشده است هرگز نبوده واجب شده و وعده  
 عذاب بدیشترین ایشان پس ایشان ایمان نئی آورده هرگز نبوده  
 ما ساخته ایم در گرونامی ایشان بطو قهای آن طو قها رسیده است  
 بزندگان ایشان پس این جماعت سر بالا کنند و مانند رساله  
 پیش روی ایشان حجابی و پس روی ایشان حجابی پس بگوید

پوشانیده ایم ایشان را پس ایشان هیچ نمی بینند تا خوش  
 و بد شکل شدند این رو با و رسوا و خوار شدند رو با پیش خدا  
 زنده و تدبیر عالم کننده و مبتلاب ز سیه هر که بر داشت  
 ظلم را فایده علیا بنیگشته اند که **لَا تَجْعَلْنَا فِي عَنَاءٍ وَاعْلَمُوا**  
**لَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَنْتَحِیْهِمْ أَكْثَرُ خَلْقِهِمْ سَلَامٌ** است  
 برای یاس ایشان از انتفاع آیات قرآن عظیم مثل **حَتَّىٰ**  
**اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَآتَيْنَاهُمُ اقْوَالَ وَاَعْمَالَ** تفسیر فی ذلک  
 انتقال میکند بر تصرف قهری حق تعالی بر سر کاران و مخالفان  
 و بستن دست و پا و معطل ساختن ایشان از دیدن و آمد و  
 رفت و سعی و مصالح خویش باین علاقه ازین آیات سلسله  
 جنبان قهر الکی میشود فایده اگر شخصی برضی یا بر کفایتی  
 که ملائک استقامت نفس نباشد مثل خوف و غضب و تقوا  
 و حسد و تشویش و اماره و ساداشی ببداء شود و بدای که از ساداشی

این آیه است تا غافلان و بیهود و مکرر و اگر مالی یا قاضی  
 یا استیسی خوابد که در وقت قضا او بیدار نشود و مستقیم و واقع شوی این  
 آیات را در دشمن خود بخوابد یا خود را در و بعد هر نماز تلاوت  
 این آیات را لازم گیرد و اگر شش بخوابد که از میان آمد  
 بگیرد و واعد او را نه بیدار و مستقرض حال او نشود لَقَدْ  
 سَوَّاهُ لَقَدْ لَمَّا كَيْفَ جِئْتِ فِي نَ، خواهد و بر سنگ زیاده کند  
 و بجانب آسمان پیر باید یا جانب ایشان گفت زنده و اگر غلام  
 کسی که سخته باشد و خواهد که او را سحر سنان و این آیات را  
 تلاوت نماید یا نام غلام بر ورق نویسد و در جائی که او آنجا  
 شب می ماند بیاویزد و یا در دیگی بپزد و سحر را بموم  
 گیرد و در جای که آمد و رفت کسی نباشد یا در مقبره که است  
 دفن کند و اگر شخصی بغیر حق به صورت کن این آیات با  
 شاکست القین و ما ظلمت بار خواهد و بخواهد

فت کنند یا بر جامه او نویسد و در مقبره کهنه یا حوضی  
غیر معروف دفن نماید یا بر مثال پاره کهنه که از مقبره گرفته باشد  
بخواند یا بجه اول آیات تا ثانیان صورت مثالیه آن  
به سعادت مشتری مناسبت و آخر آنها تا ظلم بخوست  
و حل مناسبت و در جمیع اعمال مشتری و حل این فقره  
کار میتوان فرمود و فائده علمای خواص چون اشما و آیات  
جلالیه تلاوت میکنند هم وزن آن کلمات جمالیه میخوانند  
تا نفس داعی پیش از مدعو علیه اثر نپذیرد و بگوید اینها این آیات  
جمالیه یا بدالیه جمع کرد و ظنم ظنم ختم ختم  
همه البس بلیتقیان بکنه ما کتب زخمه کایغیان جسمه  
رها کرد و در یاد و حالتی که با هم ملاقات میکنند و در بیان  
شان حجاب است یکی بر دیگری تعوی نمیکنند فائده  
درین آیت ذکر آیتی است بر کمال قدرت الهی و صفت مهربانی



او تعالی فایده و این فقره صالح است که در میان زمین  
 اگر کسی شتر واقع شود و یا در شتر یک دو ساله یا دو کسب آن  
 اعرافان یا شاه و مانند آن با همه شایع گشت و تسکین فقر  
 تمام و در حلال موجب تسکین آن فقره شود و شتر شتر  
 شتر شتر شتر شتر شتر شتر شتر شتر شتر شتر شتر  
 فعلا کما لا یخسر فی حق ترجیح گرم کرده شد  
 و کما یارمی فقیر تعالی پس برسانند و نشوند و شتران  
 و گرم شدن کارکنایه است از رونق یافتن فایده  
 و حدیث آمده است که آنحضرت علیه السلام و بعضی  
 عز و ات شعار صحابه ساختند که هر کس از فقیر چون را فرمود  
 که اگر احدی را شتر بدهد یا این کلمه را بگوید یا این کلمه را بگوید  
 شتر و آنست که خرم را بغله احباب و مغلوبت اعزاز است  
 است پس این کلمه را برای خدمت حضرت اعزاز و کفایت

از صداوت تکرار میکند هفت بار که این کلمه قرآن مجید  
به هفت سورت آمده فائده این فقره در اسکات اعدا  
و طلب جاه و شمت پیش امر مؤثر است هفت بار  
خوانده بجانب آن مردم رفت کند یا به هفت نکره  
و مکرده بجانب ایشان پرتاب شود تا تنبیل الکلب  
مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ  
التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ  
إِلَّا هُوَ الْعَلِيمُ الْمُصِيبُ ترجمه فرودستان قرآن  
از جانب فدای غالب و داناست آمرزنده گناه  
و پذیرنده توبه سخت عقاب کننده صاحب فراخی  
(یعنی کثرت مال و زیادت قدرت) نیست هیچ معبود مگر  
وی سومی اوست بازگشت فائده این آیه شریفه  
مثل آیه الکسری جامع صفات الهیه که مؤثر است در کفایت

مهات و عفت از کرد و هات زیرا که درین آیه یازده اسم  
 از اسماء کل و پندمانند **مُحَمَّدٌ** **عَزِيزٌ** **عَلِيمٌ** **مُنْتَقِلٌ**  
**الْكِتَابِ** **عَافٍ** **الذَّنْبِ** **قَابِلٌ** **لِلتَّوْبِ** **سَدِيدٌ**  
**الْعِقَابِ** **عِزُّ** **الطَّوْلِ** **كَأَنَّ** **الْعِلَّاهُ** **هُوَ** **الْمَلِكُ** **الْمُصِيرُ**  
 فایده اکتشاف تلاوت این آیه نافع باشد از مکاره شیطان  
 و از سوء چشم زخم و مانند آن و وسیله باشد برای استمطار  
 جود الهی و کفایت مهات و توسیع رزق و رفع صیبت  
 و عظمت و جاه مانند آیه الکرسی چنانچه در حدیث صحیح  
 آمده **مَنْ قَرَأَ حَمْدَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَهِ الْمُصِيرِ** آیه الکرسی  
**عِزُّ** **الطَّوْلِ** **كَأَنَّ** **الْعِلَّاهُ** **هُوَ** **الْمَلِكُ** **الْمُصِيرُ**  
 بهما حسی یضیع رواه الترمذی عن ابی هریره رضی الله عنه  
 بِسْمِ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَغِيظُكَ نَارُ سَقْفِنَا كَمَا يَغِيظُ  
 كَهَانَتُنَا حَمْدُكَ يَا بَنِي آدَمَ بِسْمِ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ

و سوره تبارک و یواری برای ماست و سوره یونس  
 سقف قائم ماست و کلمه کلید حق کفایت مهمات ماست  
 و کلمه حق حمایت ماست ما را از آفات فایده این فقره  
 بسیار است بلیغ برای دفع شر مضار محسوس چون مضر  
 و زردان و شباطین و ظالمان داعی را باید که وقت خواندن  
 آن صورت احاطه نور قرآن در خیال خود دار و دوست  
 را بگرد و خود بگرداند یا بعضا خائستگ را گرد استعدا خود  
 و اگر پیش ظالمی رود و بخواهد که لیکن و مقارن هر چه فی الجمله  
 از دست راست قبض کند و بگوید کفایتنا باز بخواند  
 حق و با هر حرفی انگشتی از دست چپ قبض نماید  
 و بگوید خاتمتنا بعد از آن چون مقابل آن ظالم رود  
 هر دو دست بکشد و بجانب او وقف زند  
 قَسِيكَ كَفِيكَ قَسِيكَ اللَّهُ وَهُوَ الشَّمِيعُ

التَّكْوِينُ وَحَدَّثَ بِهِ سُبْحَانَ كَفَايَتِ خَوَامِرُ كَرَامَتِهِ تَعَالَى  
 اَزْ شَرِّ الْمَلِكِ دَاوُسْتِ شَنَوَا وَاَنَا قَائِمٌ نَزُولِ اِيْنِ اَمْتِ  
 بَرَامِي بَشَارَتِ آنْخُشْرِتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هِتْ بَا نَجْمِ قَدَامِي تَجَا  
 بِاَوْسِي مَعَالِمِ خَوَامِرُ كَرَامَتِ شَرَا عِدَا وَاَطْهَارِ دِيْنِ اَوْ  
 قَائِدِ اِيْنِ اَيْتِ اَنْفَعِ اَشْيَا سِتْ وَطَلَبِ كَفَايَتِ اَزْ  
 شَرَا عِدَا اَكْرَدَا عَمِي ذَوْ حِظِّ اَزْ نَا سِتْ بِطَرِيقِ مَعْلُوْلَتِ بِنَجْمِ  
 اِيْنِ اَوْرُجِيَارِ كِعْتِ سَنَهْ بَارِ بَخَوَانْدِيَا وِرْدِ اَوْرُ كِعْتِ  
 وِرْ هِرْ كِعْتِ پَنْجَاهْ بَارِ وَاكْرَدِ وَحِظِّ اَزْ ذُرْ اَسْتِ يَكْلَرِ كِيَا  
 هِرْ رُوزِ خْتِمِ بَخَوَانْدِيَا پَهْنِشْتِ رُوزِ وَاكْرِيْسِيْ نَشُوْدِ بَعْدِ  
 اَنْسِمِ كَا فِی كَنِیْنِدِ وَايَا زُوْدِ بَارِ بَخَوَانْدِيَا سُبْحَانَ الْعَشِیْ  
 مَسْبُوحٌ عَلَيْنَا وَ عَيْنُ اللَّهِ تَاطَسُ عَلَ الْاَلْبَانَا  
 حَقُّ اَللّٰهِ لَا یَقْدِرُ عَلٰی سَاوَا اَللّٰهِ مُرَقَّ دَا اَبْهَمِ  
 حَقِّطْ دِیْنِ حَقِّ قُلَانِ حَقِّ حَقِّدِ فِی لَوْ حَقِّ حَقِّطْ

تاجیه پرده عرش فرو همیشه است بر ما و مراد از پرده عرش  
 خود عرش است و چشم عنایت خدا بیننده است بوسی ما  
 بهر و خدا قدرت یافته سخاوت شد بر ما بعد از ان شیخ تلاوت  
 کرده کریمه وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَرَّ كَرَّمُ مُحَمَّدٍ الْأَبِیِّ یعنی خدا از جانب  
 خلف ایشان بایشان احاطه کننده است بلکه این کتاب  
 قرآن است با عظمت و رلوح محفوظ نوشته است  
 فائده اینجا طلب است بصیغه مجزیه بر حسن رجا و قبول  
 فائده این فقره حصار است بلیغ برای حفاظت از معنی  
 غیر محسوس چون حضرت چشم زخم و سحر و آسیب جن و دیگر  
 سخطه بد که باشد قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا لِقَوْلِهِ وَلَا تَحْزَنُ الْوَالِدَيْنِ  
 ترجمه پس خدا استعالی بهتر است از روی نگاهبان بودن  
 و او هر بان ترین هر بانان است فائده این کلمه است  
 که این را یعقوب علیه السلام وقت سپردن بنیامین

برادر حقیقی بیعت علیه السلام برادران ملاقاتی بعد  
 گرفتن عود و شکم کرد و اندام بنابر توکل علی الله بعد بر عیادت  
 اسباب فائده این کلام بجز سببی است و باب حفظ اگر شخصی  
 خوابد که متاع او از گرم یا از وزدان محفوظ باشد در سر  
 آنرا نکسیر کند یا بر کاغذ یا بر سفال یا بره و از متاع نکاهد  
 و اگر در راه خوف قبیح الطریق یا وزدان باشد یا ناله  
 قصد ظلم بر وی کند اگر در نماز ملاوت بیشتر وارد نماز  
 بطور صلوة التبیح بجا آورد اگر در ذکر لذتی وارد و بکسر کجبار  
 ختم این کلمه کند اگر تواند یک هفته هر روز همین ختم کند و در  
 بهترین ساعتی مثل نصف شب یا وقت زوال یا عصر  
 یا پیش از طایع آفتاب **إِنَّ قَوْلِي لِلَّهِ الَّذِي قَالَ  
 الْكِتَابَ وَهُوَ يَقُولُ الصَّادِقُ حِينَ تَرْجِعُهُ بِرَأْسِهِ**  
 کار ساز من خداست آنکه فرو داد و آورده است قلن را

وادکار سازنی میکند نیکوکاران فائده این آیت تاثیر بیخ  
 دارد و در نفیقه الغیب و تحصیل نظام سنی و متربی و انجی  
 ملذذ و نماز این را بهیات صلوة التسبیح سینه بار بخواند و ملذذ  
 بذكر بعد و اسم و لی چهل و شش بار بعد هر نماز بخواند  
 حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هُوَ عَلَيَّ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ  
 رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ترجمه کفایت کند و من خدا  
 نیست هیچ معبود مگر او بروی توکل کروم و او پروردگار  
 عرش بزرگ است فائده علیه توکلت خبر است بمعنی  
 انشای صفت توکل و اعتماد فائده شیخ ابوالحسن در  
 خواص حسبنا الله و نعم الوکیل رساله نوشته مسنی  
 بالسر الجلیل فی خواص حسبنا الله و نعم الوکیل در اینجا  
 و خواص این کلمه و طریق تمسک بآن کتابیه و تلاوة  
 استقصا نموده و هر چه در حسبنا الله و نعم الوکیل است در حسبی الله



لا اله الا هو اتم است بلکه بهتر و موکد تر از آن با جمله این کلمه را  
 حفظ از شمار و طلب نفیقه الغیب و کفایت مهمات و نصرت  
 بر اعدا کیما میست عجیب تاثیر و ترکیب آن چنان است  
 هر حاجتی که داشته باشد بشمار عدد و اسم مناسب آن حاجت  
 از آن بخواند مثلاً برای حفظ از شمار بعد و حقیقت بخواند و بگوید  
 طلب نفیقه الغیب بعد و در تراق و برای کفایت مهمات  
 بعد و کافی و برای نصرت بر اعدا بعد و ناخص و علی  
 هذا القیاس با جمله بعد هر اسمی که مناسب بجا می باشد  
 بآن سوخته است بسم الله الذی لا یضر مع الشیء شیء  
 فی الارض و لا فی السماء و هو التسمیة الغلیظه  
 تبرک میگیرم بیاورد خدا یکبار نمیکند با نام او چیزی از شمار  
 در زمین و نه در آسمان و او ست شنوا و انا قوامند و این  
 و عایت که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده هر که

صبح و شام سه بار از آگود خضر نرسانه و پانچیز از مقدرات  
 ارضی و سماوی قلمه و مقدرات رضی مثل سباع و سهام  
 و سموم و سحر و مانند آن و مقدرات سماوی مانند نخوست تارگان  
 و آسیب جن قلمه و این دعا تاثیر بلخ و اورو و حبس  
 هر ضار از خضر و مثل سباع و سهام و آب سرد به نسبت مبرور  
 و آب گرم به نسبت محروق و دوائی و غذا یکم مضرا باشد طبعاً  
 یا با اعتبار عین بر روی یا سحر و دی و اوجاع و اورام و مانند  
 آن و شخص بدخو که از وی خوف و قاجت دارد و می باید  
 این دعا سه بار یا هفت بار بخواند و بر آنکه از وی میسر  
 رنم کند یا سبب انبیا اوقف کند و اگر حاضر نباشد صورت او  
 در خیال حاضر سازد و به نیت او مکر خواند و کمال  
 و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العلی و حمزه و طاقت باز  
 نیست و توانایی کار کردن نیست الا بعد از دفعه ای بلز ویر

نیز گشت متوجه قاهره و این کلام تاثیر بیخ و بار دود و سحر  
 و زوایین و دزد و جت و دعای بد و همت اهل همت  
 و هر چه بداند باند با کلام اکثر تاثیر بسم الله الرحمن الرحیم  
 منع مضاره رسول است و غالب تاثیر لاحول و لا قوة الا بالله  
 و دفع مضاره غیر محسوس چنانچه بین فرق و بسم الله یا  
 و ستر العرش مبدول علینا نیز میخواند و فری است بدانکه در  
 حدیث شریفنا وارد است لاحول و لا قوة الا بالله اکثر  
 من کنوا الیه و معنی آن نیز در حدیث آمده لاحول عن  
 معصیت الله و لا قوة علی طاعة الله الا بالله اے  
 باعانه الله تنبیه به ختم این شرح شیخ ولی الله قدس  
 نوشته است که اینهمه که نوشتم حکایت امر و جداسی  
 بود که بکوفه مثل برق خورشند و بود از آنجمله هر چه محفوظ  
 ماند تحریر یث و هم الا قدرتی که بخط حدیث و علم دانشمندی

متعلق داشت الحال پاک نیست که بعضی طرق و دعوت  
 حزب البحر که بعضی شایخ آنرا در کتب دعوت نوشته  
 حکایت کنیم تا تعلقات حزب البحر را هم احاطه کرد و با هم  
 قائل و جمعی از اهل دعوت گفته اند که هر که خواهد و حزب البحر  
 عال شود اول به نیت ادای نصاب باترک جلالی جمالی  
 و اعتکاف روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد  
 و هر روز غسل و یکدو گانه یکصد و بیست بار سجود نماید و از  
 روز یکم افزونی نور ماه هر روز نسی بار سجود نماید و تقیه  
 مبلغ صد و بیست و شصت میرسد فقیر گوید عفا الله عنه  
 این عدد را برای آن اختیار کرده اند که در جات شمس  
 سه صد و شصت است در سه مثلث یا وضو و روزه  
 پس بخواند صلواتی که او شاه می خواند که او را بیان رساند و یاد  
 مونس باشد که درندگان غالب بودند به نیت بار این حزب

خواسته بروست گفت کند دوست بر تمام احشای خود و  
 آرد اگر و کجاری در مانده باشد باید که در مقام عالی مصفا  
 بدو غسل و بوی کشت نماز بگذارد و بعد از سلام پنج بار یا  
 بار بخواند و برای محبت و دانه و بار یا بهفت بار خوانده  
 بر کلاب ببرد و چون بر صیقل نثار شد هفتاد بار بگوید  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ  
 و بعد از آن بگوید خداوند صاحب فلان بن فلان در اول  
 فلان بن فلان پدید آید و سه روز بهین ترتیب بخواند نگاه  
 انشعقن بمقابل آورد و قدری از کلاب بر کف خود مالید  
 بر روی خود فرو آرد اگر انتقام از دشمن منتظر باشد  
 تا دوازده روز هر روز سی مرتبه بخواند چون و اطلس علی  
 و جوده انداخته یا شامت الوجوه برسد هفتاد بار بگوید یا قاضی  
 ذا البطش الشدید الذی لا یطاق انتقامه بعد از آن بگوید

خداوند افلاک را بفرمود و بپایان آورد و چشم و گوش و زبان او  
 بسته سازد فقیر گوید بعضی عنقه شخصی که دشمنی در دین  
 داشته باشد برای او شایسته الوجود مناسب تر است  
 و شخصی که دشمنی او از جهت امور دنیا باشد و او را شایسته  
 لائق تر است برای شفای مریض و دوازده روز هر روز  
 دوازده بار بخواند چون بسم الله الذی لا یضر برسر  
هفتاد و بار بخواند و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للکونین  
یا شافی شفا بخش فلان را و سجده تسخیر سلطین و امر او دوازده  
روز دوازده بار بخواند چون بیاضی بیکه مملکت  
کشی بی هفتاد و بار بخواند یا غنی بعد از آن بگوید عزیز گردان  
مرا و چشم فلان بن فلان پس از آن سه بار انا انک لک  
بخواند بعد تمام دعوت هرگاه بخانه او رود این حربا  
یکبار بخواند و شجاعت ایمنی راه و سلامتی سفر قبل از آنکه

سوار شود سه روز یا صوم و شرائط و عورت هر روز و روزانه  
 بار بخواند و چون بر قافله می‌نویسد **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ**  
 و بنام بار یا **حَفِظْهُمُ احْفَظْهُمْ مِنْ جَمِيعِ الْبَلِيَّاتِ**  
 یا **اَرْحَمْهُمْ الرَّحِيْمُ** بخواند بعد از آن در وقت روان  
 شدن و فرو آمدن و محل خوف یکبار بخواند باشد بخت  
 محفوظ گشتی پیش از آنکه سوار شود سه روز هر روز <sup>۱۴</sup> و هر

بار بخواند چون به سخن **لَا اَعْلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ** برسد بنام بار یا **حَفِظْهُمُ**  
**احْفَظْهُمْ مِنْ جَمِيعِ الْبَلِيَّاتِ** یا **اَرْحَمْهُمْ الرَّحِيْمُ** بخواند و بگوید  
 خداوند بخود را مال و اسباب و رفیقان خود را بتوانست  
 بسیارم بخیریت باطل برسان بعد از آن کشتی هر  
 پنج وقت نماز این حزب را یکبار در روز خود سوار شود اگر طوفان  
 بیاید تا آن زمان که طوفان فرو نشیند میخوانده باشد  
 و بخت تو گری نماند سه روز هر روز <sup>۹</sup> و زبنت بار بخواند چون

بِرَأْسِهَا كَمَا مِنْ حَسَنَاتِ أَيْنَ سَرَّحْتِكَ بِسَبْعِ مَقَادِيرَ  
 يَا غَنِيَّ اغْنِنِي وَيَا سَدَّاقُ ارْزُقْنِي رِزْقًا كَرِيمًا  
 وَاسْعًا يُغْنِي حِسَابًا سَخَوَانًا وَهَرَّ وَزَهْفًا وَبِشْرَ  
 رَأْيَانٍ وَشِيرَتِي بُوَسَّخٍ خَوْدٍ بِدُرِّ تَابِ ابْوَابِ تَتَوَجَّعُ بِرُؤْيِ  
 كُتَادَةٍ كَرُودٍ وَبِجَمِّتِ ارْوَاقِ قَرَضِ تَانَسَةٍ رُوزِ هَرَّ وَز  
 يَانِزُو وَبَارِ سَخَوَانٍ بِعَوْنِ بَانِضَرِ تَارِبِ سَبْعِ مَقَادِيرَ بَكُودِي  
 اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِخَلَاكَ عَنْ حَرَامِكَ وَاعْنِنِي  
 بِفَضْلِكَ عَنْ سَوَاكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ  
 وَبِجَمِّتِ كُشَائِشِ بَحْتِ دُخْتَرَانِ بَرَّابِ بَارَانِ يَارَ آجَاهِ  
 كَمْ شَبَّ كَتِيدَةٍ بَاشَدِ تَانَسَةٍ رُوزِ هَرَّ وَزَهْفٍ بَارِ سَخَوَانٍ بِعَوْنِ  
 بِهَرَّ بِلَامِنِ لَدُنْكَ الْخَرْبِ سَدِّ يَافِتَاحِ بَرِّ وَجْهِكَ سَخَوَانٍ  
 بِدَرِّ زَانِ بَانَ آبِ دُوسْتِ وَبِأَمِي اَوْشَدِ آبِ زَابِ سَمَانِ  
 پَاكِ اَنْدازِ وَكِ پَاكِي كَسَبِ رُوزِ سَدِّ وَبِقَالَ فِي وَجْهِكَ



العدو في الحرب حتى لا ينصرون وقتد  
 كان رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 يقول ما في بعض غزواته ويا صريها أحنأ  
 وكان خبيب بن مسلمة يستحب إذا لقي  
 العدو أن يقول لأحوال ولا قوة إلا بالله  
 العلي العظيم وروى عن النبي صلى الله  
 عليه وسلم أنه قال من قال كل يوم لأحوال  
 ولا قوة إلا بالله العلي العظيم مائة مرة لم  
 يصبه فقر أبداً أو عن أبي موسى الأشعري  
 قال له النبي صلى الله عليه وسلم ألا أدلك  
 على كنز من كنوز الجنة قال بلى يا رسول الله  
 قال لأحوال ولا قوة إلا بالله العلي العظيم  
 ومما ينفع لو جمع إلى أن يضع العباد

يد، على رأس الجميع ويقول بسم الله خير  
 الأسماء بسم الله رب الأرض ورب السماء  
 بسم الله الذي اسمه بكه وشفاء بسم الله  
 الذي بيد الشفاء بسم الله الذي لا يضر  
 شيء اسمه شيء في الأرض ولا في السماء ط  
 وهو السميع العليم يكره ذلك ثلث  
 حرات أو سبع موات وروى عن بعض  
 الثقات أنه قال إذا كنت في سفر فوجدت  
 الحرب فاقع سورة إذا زلت وأخبر  
 بيدك على الأرض وارم بالكتاب في وجه  
 الحرب وأمسك بيدك على رأسك ثم اقع  
 وأخبر بكم هو طير يقا في البحر ينبت الأ  
 تخاف دَرَ كَأَفْ لا تُخَشِّنُهُ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْنِ

أَيُّدِ تَهْجُرُ سِدًّا أَوْ مِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا أَفَاغْثَيْنَا  
مُؤَقَّتًا لَمْ يَكُنْ يَحْيَى وَنَدَّ حَلَفَ الدَّارِ وَي  
إِيمَانًا مَوْكِدًا أَنَّهُ وَجَدَ الْحَرْبَ نَهَارًا  
فَقَتَلَ ذَلِكَ وَقَعْدًا تَحْتَ شَجَرَةٍ فَوْضَلًا  
إِلَيْهِ وَلَوْ بِي وَوَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ السَّاعَةَ  
كَأَنَّهُمْ هُنَا وَرَأَى عَنْ بَعْضِهِمْ هَوَانَهُ قَالَ  
مَنْ أَرَادَ سَفَرًا وَاحْتَبَّ السَّارَةَ فِيهِ مِنْ  
أَكْلِ مَحْذُورٍ فَلْيَصِلْ رَكْعَتَيْنِ يَقِيءُ فِي الْأُولَى  
الْفَاحِشَةَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِي  
الْفَاحِشَةَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ وَبَعْدَ السَّارَةِ يَقْرَأُ سُورَةَ  
الْأَزْكَرِ ثُمَّ يَقُولُ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ  
وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فَأَحْبِبْنِي  
فِي سَفَرِي مِثْلًا بِالسَّارَةِ وَالْعَافِيَةِ وَاخْلُفْنِي

في اهلي ومالي وولدي بخير يا ارحم الراحمين  
 اقول لو قال اللهم يس لنا اموننا الى ولا  
 الجمع الدنيا كان مثل ذلك واذ قال المسبحون  
 او الماسور وما شاء الله كان ولا حول ولا  
 قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله  
 ونعم الوكيل الفصة في مجلس واحد خلصه  
 الله تعالى معجلاً قلت لو قال مكان حسبنا  
 الله نعم الوكيل حسبي الله لا اله الا هو  
 عليه توكلت وهو رب العرش العظيم  
 كان مثل ذلك كريمة فان توكلت  
 حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو  
 رب العرش العظيم خاصية هذه الآية  
 انها تعطف القلوب المعصية على من

اغرضوا عنه وينعم من كيد الكافرين فمن قرأها  
 ليلة الجمعة نفعه الليل ثلثين مرة أو قال في  
 آخر كل مرة أو لم يثبت يارب حبي على  
 فاروق بن قلاب أو فلابنة بنت فلابنة واعطفت  
 قلبه أو قلبها علي وذلله أو ذللها لي فان  
 الله يعطف قلبه عليه ويذلله ويحبه بعضهم  
 قال حبيب الله لا اله الا هو عليه توكلت و  
 هو رب العرش سبع مرات في الساء كيفيه  
 الله تعالى ما اصدقته صادقاً او كاذباً استقر  
 ملخص كتاب الهوامع للشيرازي الله  
 قدس سره وقد كان الشيرازي في رعيته في شهر  
 رمضان سنة الف و مائة وخمس وستين  
 وقد تم تلخيصه في ذي الحجة سنة الف و مائة

وثمان وثمانین من ید القاضی سناء الله  
 قدس سره و ثانیاً فی سنة اثنین و ستین  
 بعد الالف المائتین من ید جامع هذا الاوراق  
 ابی الخیر محمد عبد المجید و فقه الله فی  
 استباق ما عنده باق الکنون اختتام این باب  
 حسب امر قام حضرت قاضی سناء الله که از شیخ خود  
 مظله العالی اخذ کرده مینویسم و آن اینست یا الله یا کنو  
 نیا حق یا مبین اکسني من نورک و علمنی من علمک  
 و فهمنی عنک و اسمع منک و ابصر فی بک انک  
 علی کل شیء قدامین ترجمه امی نوات مجمع جمیع  
 صفات کمال امی نور روشن کننده ممکنات امی حق  
 ثابت بذات خود امی بین نظام هر کشف جمیع ممکنات  
 از پرده عدم و اشیای خفیه در علم پوشان مرا از نور خود

و عالم را از علم خود و تمیز گاه و تراز از خود و شنوایان تو  
 و تمام را حاکم اشیا بتو پرستی که تو بر هر چیز قادر می باشی یا سمیع  
 یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم یا سمیع و عاقلی مخصوصا  
 لطافت امین امین امین مرتبه ای بزرگ بشنو و عای من خاصه  
 هر بانی خود قبول کن این و عاقل قبول کن قبول کن اعش  
 یککات الله التامات کلاها من شئ ما خلق جسم  
 پناه میجویم بکلمات حق تعالی که تمام و کامل اند بهمه آنها از  
 بدی آنچه آفریده است فائده شر را خلق شامل است  
 بر آنکه عذاب و سخت نجوم و شر او میان و شیاطین  
 و جان و جانوران و مسموم نباتات و غیره پس این دعا  
 صالح اثبت که آنچه در بسم الله الذی لا یضر شیئ اسم  
 شئی گفته شده از تمام جای پادشاه عظیم السلطان

یا قاضی الاحسان یا ذا اثر النعم یا باسط الذیق  
 یا واسع العطا یا یاء افع البلاء یا یا حاضر الیس  
 بغائب یا موجوداً عند الشدائد یا خفی اللطیف  
 یا لطیف الصنع یا حلیم الا یجمل اقض حاجتی  
 یحمتک یا ارحم الراحمین ترجمه ای بزرگ  
 غلبه ای از قدریم احسان کننده ای همیشه نعمت دهنده  
 ای فرایخ کننده روزی ای کشاوه شش کننده ای  
 دفع کننده بلاها ای آنکه حاضر است در هرگاه غائب نیست  
 ای آنکه موجود است نزد غیبتها پوشیده مهربانی کننده  
 پاکیزه کار ای بزرگوار که جلای نمیکند و گرفتار کنند  
 مهربانی خود را ای مهربان ترین مهربانان الهی  
 اعوذ باسمک المخبون المکتون السلام المتزل  
 القدوس المقدس الطاهر الطاهر یا دهر یا دهر



یاد یحیی یا ازل یا ابد یا من لم یولد و لم یولد و  
 لم یکن و لم یکن احد یا من لم یزل یا هو یا بر یا من  
 لا اله الا هو یا من لم یعلم ما هو الا هو یا کان یا کنیا  
 یا و حیا یا قبل کل کون یا کاشع کل کون اشیاء شریفا  
 اذ و نی اشیاء و ث یا جلی عظام الامور سبحانک  
 علی حلت بعد علیک سبحانک علی عقوب  
 بعد قدرک ترجمه ای که همیشه باقی از پیش از همه  
 و ابدی بعد از همه و آنکه نیز تأخیر است و نه پیش از همه  
 و نیست او را نه پیش از کسی که همیشه بخار و آبی آنکه خداست  
 نه مخلوق بوی تو خدای آنکه نیست هیچ مخلوق را و آبی آنکه  
 نیست نه کنه او را اگر او ای ثابت و متحقق بذات خود ای آنکه  
 عالم اشیاء و حق است قائل است ای آنکه بود پیش از هر موجود  
 ای آنکه باشد بعد از هر موجود و این چهار اسم سرایانی اند یا عبرانی

ای روشن کننده چیزهای بزرگ یکی است مترابری با حق  
 با وجود دانستن تو یکی است مترابریش تو با وجود توانایی تو  
 فان تقول انقل حسی بالله لا اله الا هو علیه توکل و هو  
 رب العرش العظیم ترجمه پس اگر و گردانی کند کفایت تو  
 پس بگو حسی الله الخ معنی این گذشته است ایست که مثله  
 شیخ وضو السميع العليم ترجمه نیست مانند او چیز است  
 شنو اداء اللهم صل و سلو و بارت علی سیدنا محمد  
 و علی آل سیدنا محمد کما صلیت و سللت و بارت و  
 رحمت علی بل هدی و علی آل ابن اهدیم انک حمید  
 ترجمه ای بار خدا یا در و یعنی رحمت و اراوه خیر کن و سلام  
 از کلمات و این و برکت و ثواب اعمال و درجات بهشت  
 بر سیدنا محمد و آل محمد چنانچه در و و سلام و رحمت و برکت است  
 برابر انجیم و آل و که انبیا و صلوات باشد و در و و بعد از دعا

سنت و عادت حضرت عمر رضی الله عنه گفته که دعا سعادتی میماند  
و میان آسمان و زمین و بالا میبرد و تا که در دوزخ فرستی به پیغمبر خود  
و حضرت علی رضی الله عنه فرمود که دعا محبوبی است تا که در دوزخ  
فرستاده شود بر پیش و آلت او و باید دانست که این اقتضای تمامیه  
بیتراکین است و دعای حزب البحر اقامه میگویند قاضی خاوری  
علیه الرحمه و الرضوان که چون حضرت پیر و تنگین سلامه الله تعالی  
این فقیر را دعای حزب البحر تعلیم فرمودند فرمودند که هر کجا این دعا  
نموده شود و پیش از آنکه باران ببارد و اهل اولیا را آید شود و در هر روز  
معمول گردد و طریق دعوت و کوفه همین فرمودند که شاه ولی الله  
قدس سره نوشته اند که اگر آنکه فرمودند بعد غسل جامه تا و خسته بشد  
تجسس پوشد و فرمودند اگر کسی طبیعت خود سازد یکبار بعد از یکبار بعد  
حضرت علی را و نام خواند او را احتیاج نیکو نیست و فرمودند که  
و خواندن این دعا چون بگوید اللهم استر لنا امواتنا من طلب الخوف

و دل حاضر سازد و چون بر کلاه و ابروی علی و جوه اعدا نشا  
 رسد بخت چپ اشاره بسوی الی را کند و کلمه سینه انقسم لینا  
 و تنزیل العزیز الرحیم لا تم و خیر حفظا بفسیحه مصدر و در  
 اعتصام این سخن عمل منکم سو و اکسیرن موافق قرارة شعبه بخوانند  
 و هفت حمیدین بخوانند اول حم بسوی مقابل و دوم بسوی  
 دست راست سوم بدست چپ چهارم بطرف پشت  
 پنجم بطرف پایین و ششم بطرف بالا رو کرده بخوانند بعد از این  
 خوانند رقت با حمد الله تعالی کل بداء و قضا کاشی  
 من هذه الجهات الست تأمن باذن الله تعالی  
 من جمیع الاوقات و العاکفات یعنی و در هر روز و هر حکم  
 خداستعالی هر ملائمتی و قضای را که آید ازین اطراف شش نگارند  
 این خاییم بحکم خدای برتر از جمیع آفتها و مضیبتها باز بخوانند حمید  
 و اشاره کند بآن بعد دفع آفتها می کند و بدین اینکس می خوانند

بعد از آن بخواند **حَمْدُ اللَّهِ** و عا تمام کند و چون بگوید **اَللّٰهُمَّ**  
 در یکایک انگشت از غشتر تا باهام با هر حرف قبض کند و چون  
 کلمه **حَسْبُكَ** خواند همان قسم بکشد و گوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
 هفت بار بخواند و گوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** تا عیسی تسبیح یا خدایه  
 در افتد و چون سه بار آیین گوید هر بار دست خود در زمین  
 و الله اعلم و در وقت و رکوع و مانند آن چون حزب البحرین یا  
 خواند اعتقاد هم گیاره خواند و همچنین در آخر اعتقاد هم نیز یکبار بخواند  
 والله اعلم بالصواب الیه المرجع والمآب

الحمد لله على حسنة ما جعله حزب البحر من جوده و وسع اعتقاد و اشتياق  
 و از و یاد و گریه و ناله و شرح قاصد آن موهبت خدایه لا اله الا الله  
 ابو الخیر ما خبر دهم و محمد عبد الباقی خدایه نعمت افرات با تمام این عشق و محبت و حسن  
 بن حاج محمد و بن خان بر و تربیت یافته در دست و در مقام محمد مصطفی خدایه

وز طبع نظامی واقع شہر کانپور، باو ایل صفر ۱۲۹۴ھ مطبوعہ گریہ

### اطلا ع

واضح ہو کہ جو شرح فارسی حرب البحر معادنی نوادر عجیبہ  
مطالعہ غنیہ پر مبنی لہذا بنظر فریدہ اشاعت اون نوادر کے ادھار  
بھی آخر حرب البحر مترجمین بڑھا دیا تا غم و با جملہ طالبان اور وفہم  
و شائقان فارسی دان اون نوادر و خواص سے مطلع ہو کر کتاب  
ہوں اور اپنے اپنے مطالب لی و مقاصد قلبی کی پوری فکر اس مضمون  
داعی کو دنا خیر و امین سے یاد فرماویں۔

### اشتہار

یہ کتاب سب شمار قانون بستم شائع و اصل ہی راجسٹر  
گورنمنٹ ہو گئی جو لہذا کوئی صاحب بنیر افاضت مضمون و ترجمہ  
ت چھاپے گا تو فرماویں اگر ملاوب ہو تو طبع نظامی کانپور طلب کر لیں

و ما علینا الا البلاغ

# فہرست کتاب حزب البحر با ترجمہ اردو

صفحہ	مطلب کتاب	صفحہ	مطلب کتاب
۲	حب و نفست	۲۹	طریق پختہ حزب البحر کا واسطہ
۳	تکثر و سولفت حزب البحر		حصول مقامہ مخصوصہ کے واسطہ
۴	التماس و المکتبہ و وقتہ		واسطہ کشائش ہمت کے واسطہ
	و حزب البحر و تاکید کتابت		واسطہ حزب کے
	و شعاعی	۳۰	واسطہ زبانہ می شیخونہ کے
۵	طریق دعوت حزب البحر		واسطہ شفای مریض کے
	طریقہ نشیب کلام واسطہ دعوت کے	۳۱	واسطہ تسخیر بادشاہان اور امیران
۶	طریق دعوت یعنی اراکین و حزب البحر		واسطہ امن اور سلامتی سفر کے
۱۰	اعتصام حزب البحر	۳۲	واسطہ محافظت کشتی و جہاز کے
۱۵	دعائی حزب البحر		واسطہ صلہ و اغواء و تکریم کے
۲۵	اعتصام حزب البحر	۳۳	واسطہ ادائیگی قرض کے

صفحہ	مضامین کتاب	صفحہ	مضامین کتاب
۳۲	دائے انشراح صدر کے	۳۲	دائے سلاستی ایران کے
۳۳	دائے کمان معرفت نلیہ حال کے		

## فہرست کتاب شرح فارسی حرب البحر

۴۸	بیان خواص حرب البحر	۵۳	حصول نفقۃ الغیب
۵۲	برای مغلوبہ الحال	۵۴	دفع سجن وغیرہ
۵۵	اسکات اہل خسرت	۵۶	خوابی دیار اہل فسق
۵۷	حرب انافات و زوان	۵۸	ہزیمت اعدا
۵۹	دفع چشم خرم و سحر وغیرہ	۶۰	برای ہدیت و تلوید عیبت
۶۱	دفع سموم و اوجاع	۶۲	برای درد و زہ
۶۳	دفع فقر و افلاس	۶۴	برای عنین
۶۵	برای سموی باغ و فائدہ	۶۶	بیان اعتصام حرب البحر
۶۷	برای حفظ استعہ و اقمشہ	۶۸	دعائی حرب البحر



مجموعه بیان خواص و مضایق	سفر	مطالعات	مطالعات	سنو
۶۸	بستگی زبان و قسم	۵۶	تلاش برادری	۵۷
۶۹	از آله خوف و خشیت	۵۷	خلاصی از نفس و لوم	۵۸
۷۰	و حمد و تشویش را میسر است	۵۸	رفع غلظت	۵۹
۷۱	برای سلامتی از اعدا	۵۹	فتح بر اعدا	۶۰
۷۲	برای گریختن	۶۰	شفای مریض	۶۱
۷۳	وضع خصوصیت	۶۱	سبزی باغ و گشت	۶۲
۷۴	تالیف فیرا بین شوهر و زن	۶۲	شراف بر خواطر و گشت	۶۳
۷۵	اسکات اعدا و علاج و شمت	۶۳	از آله افتاد و قدرت بر اعدا	۶۴
۷۶	اسب و شتر و خیم و قوس و تیر	۶۴	حصول نفقه الغیب	۶۵
۷۷	بر مریض و کفایت همات	۶۵	طهورات و دعا و جرقی	۶۶
۷۸	حصا از زرد و سیاه و طین و طلا	۶۶	حصول میر و کارها	۶۷

سفر	مطلب کتاب	صفحه	مطلب کتاب
۷۷	کفایت از شر اعدا	۸۲	طریق دعوت خیر الی غیره و انصاف
۷۸	حصار شهر غم و سحر و آسیب	۸۳	خواص زینب الیه
۷۹	حفظ نفس و اولاد و حفظ	۸۴	برکات دفع ضرر بادشاه و روزگار
۸۰	ستاد از کرم و روان	۸۵	برای محبت
۸۱	برای نفقه النیب و حصول	۸۶	انتقام از دشمن
۸۲	انتقام دینی و متری	۸۷	شفای مریض
۸۳	حفظ از مضار و نفقه النیب	۸۸	بجست شیخ سلاطین و امرا
۸۴	و کفایت و نصرت بر اعدا	۸۹	بجست حفظ کشتی و جهاد
۸۵	حفظ از فحشاء ارضی و سماوی	۹۰	بجست تنویری
۸۶	روحه و حین و حجت و دعا	۹۱	بیان خواص زینب الیه و غیره

فضائل سورہ یس	
بسم اللہ الرحمن الرحیم	
<p>حضرت انس رضی اللہ عنہ سے روایت ہے کہ کسا فرمایا رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے ہر چیز کے لیے دل ہوا اور دل قرآن کا ایسا ہے اور جسے پڑھی نہیں لکھتا ہر آن قلم لے لے اور اسکے لیے ثواب سن بار قرآن پڑھنی کا اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جس نے پڑھی نہیں رات کو دس بار طلب کیا اللہ تعالیٰ کے بخشنے کے واسطے اسکے گناہ کو اس ایمان اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جو شخص سورہ یس پڑھے ہر رات کو پھر مرنے کو مرے گا شہید اور فرمایا آپ نے کہ جس نے پڑھی نہیں اول روز میں تو پوری کیجاتی ہیں سات جہنم اور اسکی اور ابو قتادہ رضی اللہ عنہ سے کہ چار تا بیس سو بار پڑھے کہ کسا کر جو کوئی پڑھی نہیں مغفرت کیجا و اسکے لئے اور جو کوئی پڑھی اسکو اس سال میں کہ وہ بھوکا ہو سیر ہو اور جو کوئی اسکو اس حال میں پڑھی کہ وہ راہ بھولے ہو یا بھولے ہو یا بھولے ہو اور جو کوئی پڑھی اسکو</p>	

اس حال میں کہ کوئی چیز اس کی جاتی رہی اور بالیوے اس کو اور جو  
 کوئی پڑھی اس کو وقت کھانے کے کہ ڈرتا ہو قلت اس کی سے لگتا  
 کرے اس کو اور جو کوئی پڑھی اس کو نزدیک قریب الہر کے کماست  
 حقیقی کے آسانی کیجا دے اوپر آو جو کوئی پڑھے اس کو نزدیک  
 عورت کے کہ دشوار ہو بچے کا ہونا اوپر آسانی کیجا دے اور ہر آدمی  
 جو کوئی کہ پڑھے اس کو پس گو یا کہ پڑھا قرآن گیارہ بار اور ہر خیر کے  
 لئے دل ہوا اور قرآن کا دل پس ہر روایت کی یہ یہی سنی نے  
 شعب الایمان میں اور روایت کی حاکم اور یہی نے ابی جعفر محمد بیٹے  
 علی یعنی امام زین العابدین سے کہ کہا جو شخص پاو اپنی دل میں  
 سختی یعنی سنگدلی پس چاہیے کہ کلمے فیس والقرآن الحکیم اور ایک  
 پیاسے میں سات مرتبہ قرآن کے پھر دلی سے اس کو سلامت

محمد روشن خان حنفی  
 محمد عبدالرحمن بر

مردودہ خطہ بر خاتمت  
 برامی مسجد یعنی کہ این کتاب بطریق طبع نظامی  
 مردودہ خطہ مہتمم ثبت نمودہ شد

محمد روشن خان حنفی قلم